

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۱۵ جون ۲۰۱۴

فعال سازی طرح واشینگتن برای تجزیه عراق

Washington relance son projet de partition de l'Irak

رسانه های بین المللی فروپاشی ناگهانی دولت عراق را به عنوان نتیجه تهاجم امارات اسلامی در عراق و شام (یا گروه داعش) معرفی کردند. ولی چه کسی می تواند باور کند که دولتی قدرتمند، که توسط واشینگتن مسلح و سازماندهی شده، در مقابل یک گروه جهاد طلب که رسماً مستقل از هر دولتی عمل می کند، ظرف یک هفته دچار فروپاشی شود؟ علاوه بر این، چه کسی می تواند باور کند که آنهایی که در سوریه از امارات اسلامی در عراق و شام (داعش) پشتیبانی کرده اند، ناگهان حرکات این سازمان را در عراق محکوم کنند؟ تی پری میسان در اینجا طرح پنهان زیر نقشه جغرافیای تجزیه را آشکار می سازد.

شبکه ولتر | ۱۳ جون ۲۰۱۴



نقشه «خاور میانه بزرگ» از دیدگاه ستاد فرماندهی ایالات متحده،

منتشر شده در سال ۲۰۰۶ توسط سرهنگ رالف پیترز

از سال ۲۰۰۱، ستاد فرماندهی ایالات متحده تلاش می کند تا تشکل «خاورمیانه بزرگ» را بر اساس تجزیه کشورها با تکیه بر شاخص قومی و مذهبی محقق سازد و تعدادی دولت کوچک به وجود بیاورد. نقشه جغرافیای طرح ریزی شده که طی جولای ۲۰۰۶ منتشر شد این طرح را بازنمایی می کند (۱). چنان که در این نقشه می بینیم، تقسیم عراق به سه دولت پیشبینی شده است: دولت سنی، دولت شیعه، دولت کرد.

شکست اسرائیل در رویارویی با حزب الله در کوران تابستان ۲۰۰۶ (۲)، و شکست فرانسه و انگلستان در رویارویی با سوریه در کوران ۲۰۱۱-۲۰۱۴، احتمالاً این تصور را در اذهان ما ایجاد کرده بود که گوئی طرح «خاورمیانه بزرگ» سپری شده است. ولی در واقع امر چنین نیست: ستاد فرماندهی ایالات متحده بر آن است تا این طرح را با میانجیگری مزدوران مسلح و جهاد طلب دوباره فعال سازد.

رویدادهای هفته گذشته در عراق را باید از همین زاویه مورد بررسی قرار دهیم. رسانه های بین المللی روی حمله امارات اسلامی در عراق و شام (یا به زبان عربی داعش) پافشاری کردند، ولی این وجهه از رویدادها، در واقع امر تنها یکی از اجزای حرکت گسترده دیگری می باشد که در شرف تکوین است.

تهاجم هماهنگ کردها و داعش

ظرف یک هفته، داعش (امارات اسلامی در عراق و شام) بخشی از سرزمین عراق را که می بایستی به دولت سنی منحصر باشد به تصرف خود درآورد، و همزمان پیشمرگان بخش منحصر به دولت مستقل کرد را تسخیر کردند.

ارتش عراق که واشینگتن آن را متشکل ساخته بود، نینوا را به داعش واگذار کرد و کرکوک را به کردها ساختار فرماندهی خود ارتش عراق نیز اضمحلال نیروهایش را تسهیل ساخت: افسران ارشد برای جابه جایی نیروهایشان می بایستی مقدمه به کابینه نخست وزیر مراجعه می کردند، و به همین علت از هر گونه ابتکار عملی محروم بودند و علاوه بر این هر یک از تجمعات ارتشی در مناطق عملیاتی مانند شاهزاده نشین های عهد قدیم در فقدان استقلال عمل به سر می برد. در نتیجه، برای پنتاگون کار ساده ای بود که برخی افسران را برای تشویق فرار سربازانشان خریداری کند.

اعضای پارلمان عراق به فراخوان نخست وزیر پاسخ نگفتند و آنها نیز به سهم خود و به نوعی فراری شدند و دولت را در نبود اکثریت اعضا، تنها و بی آن که توان پاسخگوئی به رویدادها را در اختیار داشته باشد، رها کردند.

برای نجات یکپارچگی کشورش، آقای مالکی بی آن که انتخاب دیگری داشته باشد، به تمام هم پیمانان قابل تصور خود فراخوان صادر کرد. پیش از همه، او به طور کلی به عموم مردم عراق پیغام داد و سپس به شبهه نظامیان شیعه در جبهه رقیب خود مقتدا صدر (ارتش مهدی)، و بعد سپاه پاسداران ایران را فراخواند (به فرماندهی قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس که در حال حاضر در بغداد به سر می برد)، و سرانجام از خود ایالات متحده درخواست کرد که به عراق بازگردد و مهاجمان را بمباران کند.

رسانه های غربی، اینبار البته به درستی شیوه دولتمداری نخست وزیر را در تباین با اقلیت اعراب سنی مذهب و لائیک های بعثی تلقی کرده اند، زیرا غالباً به نفع شیعیان عمل کرده است. با این وجود چنین ترازنامه ای را باید کاملاً نسبی در نظر بگیریم: عراقی ها طی انتخابات قانونگذاری ۳۰ اپریل به اتحادیه نوری المالکی رأی دادند. مالکی یک چهارم آراء را به دست آورد، یعنی سه برابر جنبش مقتدا صدر، مابقی آراء به انبوهی از احزاب کوچک تعلق گرفت.

تدارکات حمله به حاکمیت بغداد

حمله امارات اسلامی در عراق و شام (داعش) از یکسو و پیشمرگان از سوی دیگر، از مدتها پیش تدارک دیده شده بود.

بین دو حمله غرب (۱۹۹۱-۲۰۰۳) کردستان عراق تحت حمایت ایالات متحده و بریتانیا قرار گرفت و از منطقه ممنوعه پرواز برخوردار شد. از دوران سرنگونی رئیس جمهور عراق صدام حسین، کردستان عراق خود مختاری بسیار ثابتی به دست آورد و به جزئی از مناطق نفوذی اسرائیل تبدیل شد.

از این دیدگاه، قابل تصور نیست که اسرائیل در تصرف کرکوک منفعل مانده و حضور نداشته باشد. با این حساب، دولت منطقه ئی اربیل منطقه حقوقی خود را به مجموع منطقه کردستان عراق گسترش داده، یعنی منطقه ای که با طرح ستاد فرماندهی ایالات متحده انطباق دارد و برای تشکیل کردستان مستقل پیشبینی شده است.

امارات اسلامی در عراق و در شام (داعش) یک گروه شبهه نظامی قبیله ئی سنی مذهب است که مبارزان القاعده در عراق را به صفوف خود افزوده. این گروه شبهه نظامی پس از ترک عراق توسط پل برمر سوم که قدرت سیاسی را به عراقی ها واگذار کرد تشکیل شد. ۱۶ می ۲۰۱۰، یکی از مقامات القاعده در عراق که در وضعیت مرموزی آزاد شده بود، ابوبکر البغدادی به عنوان امیر وقت برگزیده شد و تلاش کرد که این سازمان را به تابعی از القاعده تبدیل سازد.

در آغاز ۲۰۱۲، مبارزان امارات اسلامی در عراق و شام، جبهه النصره را در سوریه ایجاد کردند (یعنی جبهه پشتیبانی خلق شام) که به شبکه القاعده در سوریه تبدیل شد. این گروه به یمن از سرگیری حملات فرانسه و بریتانیا به سوریه در جولای ۲۰۱۲ گسترش فزاینده تری یافت. سرانجام در پایان سال، واشینگتن این گروه را به عنوان «سازمان تروریستی» بازشناسایی کرد، که بعداً وزیر امور خارجه فرانسه به این تصمیم امریکا اعتراض کرد و از آنها به عنوان «گروهی که در مناطق عملیاتی کار ارزنده ای انجام می دهند» تجلیل به عمل آورد (۳).

موفقیت های جهاد طلبان در سوریه، تا نخستین فصل ۲۰۱۳، وجهه گروه آنها را تغییر داد. طرح رسمی القاعده برای انقلاب در سراسر جهان اتوپیائی به نظر می رسید ولی ایجاد دولت اسلامی در سرزمینی مشخص و محدود در دسترس بود. به همین علت طرح تجزیه عراق که ارتش امریکا از عهده آن بر نیامده بود به این گروه اسلامگرا واگذار شد.

چهره پردازی امارات اسلامی در عراق و شام طی بهار ۲۰۱۴ به وسیله ماجرای آزاد سازی زندانیان غربی صورت گرفت که در اختیار آنها بود، و المانی ها، بریتانیائی ها، دانمارکی ها، امریکائی ها، فرانسوی ها و ایتالیائی ها را آزاد کردند. نخستین اعلامیه آنها تماماً اطلاعاتی را تأیید کرد که سرویس های اطلاعاتی سوریه مطرح کرده بودند: باید دانست که امارات اسلامی در عراق و شام (داعش) توسط افسران ایالات متحده، فرانسه و عربستان سعودی سازماندهی شده است. با این وجود، به سرعت زندانیان آزاد شده مطالبی مطرح کردند که گفته هایشان را در مورد هویت زندان بانان نفی می کرد.

در بطن چنین وضعیتی است که داعش طی می ۲۰۱۴ به عنوان رقیب، از القاعده جدا شد، در حالی که النصره به عنوان یکی از شاخه های القاعده در سوریه باقی ماند. البته باید دانست که تمام این موارد چیزی به جز تبلیغات نیست، زیرا در واقع این گروه ها از تاریخ ایجادشان از سوی سیا علیه منافع روس ها پشتیبانی می شدند (افغانستان، بوسنی هرزگوین، چچنی، عراق، سوریه). در ماه می سازمان منطقه ئی (و نه شبکه منطقه ئی از یک سازمان جهانی)، امارات اسلامی در عراق و شام (داعش) برای اجرای نقشی آماده می شد که پدرخواندگانش چند ماه پیش برای آنها تعیین کرده بودند.

سازمان داعش بی گمان در منطقه عملیاتی تحت فرماندهی ابوبکر آل بغدادی اداره می شود، ولی تمام سازمان تابع شاهزاده عبدالرحمان آل فیصل، برادر شاهزاده سعود الفیصل (وزیر امور خارجه سعودی از ۳۹ سال پیش تا کنون) و شاهزاده ترکی الفیصل (رئیس قدیمی سرویس مخفی و سفیر کنونی در واشینگتن و لندن) است.

در ماه می، آل فیصل ها یک کارخانه اسلحه سازی در اوکراین خریداری کردند. انبار سلاح های سنگین با هواپیما به یک فرودگاه نظامی ترکیه منتقل شد، و سپس توسط سرویس مخفی ترکیه و از طریق راه آهن به داعش تحویل داده شد. احتمال خیلی کمی وجود دارد که این زنجیره لوژیستیک بی آن که ناتو در آن دخالت داشته باشد، امکان پذیر شده باشد.

حملة امارات اسلامی در عراق و شام

هرج و مرج و دستپاچگی که گریبان مردم عراق را گرفت، شباهت زیادی به جنایاتی دارد که داعش در سوریه مرتکب شد: بریدن سر «مسلمانان از دین برگشته» در حضور عمومی و به صلیب کشیدن مسیحیان. به گزارش ویلیام لاسی اسوینگ (۴) (سفير پيشين ايالات متحده در افريقای جنوبی، و سپس در سازمان ملل متحد، و رئیس کنونی دفتر مهاجران بین المللی)، دست کم ۵۵۰۰۰۰ عراقی به دلیل یورش جهاد طلبان گریخته اند.

ارقام اعلام شده بر اساس گمانه زنی های غربی در مورد داعش که تعداد آنها را در عراق و سوریه ۲۰۰۰۰ نفر اعلام کرده اند، اشتباه است. واقعیت احتمالاً سه برابر رقم اعلام شده است، یعنی چیزی حدود ۶۰۰۰۰ مبارز می باشد که از مجموع کشور های اسلامی به خدمت گرفته شده اند و غالباً عرب نیستند. این سازمان به یک ارتش خصوصی تمام عیار در جهان تبدیل شده، و در جهان مدرن همان نقشی را بازی می کند که سربازان مزدور در دوران رنسانس اروپا، یعنی سربازان و افسران نظامی رسمی بیکار شده، که در جست و جوی هویتی افتخار آمیز هنر جنگ آزمائی خود را در اختیار دولت قرار می دادند و به شکل پول نقد و یا واگذاری زمین پاداش می گرفتند.

با در نظر گرفتن جنگ های بی امانی که داشته اند، می بایستی گسترش بیشتری بیابد. بر این اساس، در موصل، داعش خزانه منطقه نینوا را در اختیار گرفت، یعنی ۴۲۹ میلیون دالر نقد (که با آن می تواند حقوق مبارزان را طی یکسال تمام بپردازد).

علاوه بر این، داعش چندین جیب هامر نظامی و دو هلیکوپتر جنگی را به غنیمت گرفت و فوراً به تجهیزات خودش افزود. جهاد طلبان امکان آموزش خلبانی ندارند، به همین علت رسانه های بین المللی اعلام کردند که افسران قدیمی حزب بعث دوران صدام حسین هدایت هلیکوپترها را به عهده گرفته اند. ولی چنین تعبیری با توجه به جنگی که بعثی ها را در مقابل جهاد طلبان در سوریه قرار داده، قویاً ناممکن به نظر می رسد.

واکنش های بین المللی

حملة پيشمرگان و امارات اسلامی در عراق و شام (داعش) از سوی طرفداران عربستان سعودی در منطقه پیشبینی شده بود و منتظر چنین رویدادی بودند. از جمله، رئیس جمهور لبنان میشل سلیمان (که ماه جنوری سخنرانی برگزار کرد و شعار «زنده باد عربستان سعودی» بر طنین او را به یاد می آوریم، به جای «زنده باد لبنان!») دست به هر کاری زد تا مدت ریاست جمهوری خود را برای شش ماه آینده تمدید کند (چون که ۲۵ می به پایان می رسید)، تا بتواند در کوران رویدادهای بحران کنونی سکان امور را در دست داشته باشد.

به هر صورت، واکنش های بین المللی در مورد بحران عراق نا منسجم و نا هماهنگ است: تمام دولت ها، بی استثناء امارات اسلامی در عراق و شام (داعش) را در عراق محکوم کرده اند و تروریسم این سازمان را افشاء می کنند، ولی از سوی دیگر برخی کشورها از جمله ایالات متحده و هم پیمانانش این سازمان را متحد عینی خود علیه دولت سوریه می دانند، و برخی از این کشورها نیز در مقام پدرخوانده از این حملة داعش پشتیبانی به عمل می آورند — پدرخواندگان عبارتند از ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی، فرانسه، اسرائیل و ترکیه.

در ایالات متحده، بحث و جدل سیاسی در عرصه رسمی، جمهوری خواهان را که خواهان استقرار مجدد نیروهای نظامی در عراق هستند و دموکرات ها که مداخله جرج بوش علیه صدام حسین را موجب بی ثبات سازی می دانند، در مقابل یکدیگر قرار داده است. این سخنرانی بازی ها تنها برای استتار رویدادهای جاری کاربرد دارد که در واقع به منافع ستراتیژیک ستاد فرماندهی مرتبط می باشد که مستقیماً در آن شرکت دارد.

با این وجود این احتمال وجود دارد که واشینگتن در پی به دام انداختن آنکارا باشد. امارات اسلامی در عراق و شام گویا بر آن بوده تا مقبره سلیمان شاه در سوریه، در استان رقه را به کنترل خود درآورد. این مقبره در مالکیت ترکیه است و بر اساس قرارداد فرامرزی آنکارا یک ستون نظامی کوچک در آنجا نگهداری می کند (این معاهده از سوی فرانسه استعمارگر به سال ۱۹۲۱ تحمیل شده بود). ولی چنین حرکتی خیلی ساده می تواند به عنوان موضوعی بحران ساز توسط خود ترکیه سازماندهی شده باشد، زیرا پیش از این در فکر مداخله مستقیم در سوریه بود و چنین رویدادی می تواند بهانه مناسبی به دست ترکیه بدهد (۵).

امارات اسلامی در عراق و شام (داعش) هنگام تصرف موصل، ۱۵ دیپلمات ترکیه و خانواده های آنها و به همین گونه ۲۰ عضو نیروهای ویژه ترکیه در کنسولگری را به اسارت گرفته، و روشن است که با ارتکاب به چنین عملی خشم ترکیه را برانگیختند. امارات اسلامی در عراق و شام تعدادی راننده کامیون سنگین وزن را نیز دستگیر کرده بودند که بعداً به آزادی آنها رضایت داد.

ترکیه که لوژیستیک حمله داعش را به عهده داشت، احساس خیانت شدگی می کند، ولی بی آن که بداند از سوی واشینگتن تدارک دیده شده بوده یا ریاض، پاریس و یا تل آویو. این ماجرا موضوع دستگیری ۱۱ عضو نیروهای ویژه ترکیه توسط ارتش ایالات متحده در سلیمانیه عراق را در ۴ جولای ۲۰۰۳ تداعی می کند که با صورت فلم «دره گرگ های عراق» (۶) به تماشای عمومی گذاشته شد. این رویداد به مهمترین بحران شصت سال گذشته بین دو کشور تبدیل شد.

محتمل ترین فرضیه این است که آنکارا پیشبینی نکرده بود که در حمله ای تا این اندازه گسترده شرکت خواهد داشت و این موضوع را در بین راه کشف کرد و پی برد که طرح واشینگتن ایجاد کردستان مستقل است. در نتیجه، همواره بر اساس نقشه منتشر شده در سال ۲۰۰۶، بخشی از ترکیه را نیز در بر می گیرد، ایالات متحده نه تنها دشمنانش را تجزیه می کند، بلکه هم پیمانان خودش را نیز قطع عضو می کند. بازداشت دیپلمات ها و نیروهای ویژه ترکیه شیوه ای بود برای جلوگیری از خرابکاری آنکارا در عملیات.

سامانتا پاور نماینده ویژه ایالات متحده در شورای امنیت، خانم سفیر به شکل ریاکارانه ای ارتکاب به عمل امارات اسلامی در عراق و شام (داعش) را محکوم کرد. مدیحه سرائی و مداخله اخلاقی واشینگتن در خاور میانه، این نظریه را به ذهن متبادر می سازد که واکنش ایالات متحده در سناریو پیشبینی شده بوده است.

ایران به سهم خود اعلام کرد که آماده است تا به دولت شیعه مالکی از طریق ارسال اسلحه و مشاوران نظامی یاری رساند، ولی از ارسال سرباز امتناع کرده است. فروپاشی دولت عراق در حال حاضر به نفع عربستان سعودی رقیب مهم تهران در منطقه تمام می شود، همزمان وزیر امور خارجه شاهزاده آل فیصل (برادر رهبر داعش) تهران را به گفتگو دعوت کرده است.

[1] «[Blood borders : How a better Middle East would look](#)», par Ralph Peters, *Armed Forces Journal* daté Juin 2006.

[2] Lire [L'effroyable imposture : Tome 2, Manipulations et désinformations](#), par Thierry Meyssan, éd. Alphée 2007.

[3] Cité in « [Pression militaire et succès diplomatique pour les rebelles syriens](#) », par Tsabelle Mandraud (avec Gilles Paris), Le Monde, 14 décembre 2012

ε) William Lacy Swing

[ε] « [Complot turc pour entrer en guerre ouverte contre la Syrie](#) », Réseau Voltaire, 28 mars 2014.

[ι] « [L'anti-Hollywood turc à l'assaut des crimes états-uniens](#) », par Mireille Beaulieu, Réseau Voltaire, 5 mai 2006.